

نگاهی به تصحیح منظومه‌ی همای و همایون به اهتمام کمال عینی

محمد مهدی معلمی*
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)

مرتضی رزاق‌پور**
دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، ایران

چکیده

منظومه‌ی همای و همایون سروده‌ی خواجه‌ی کرمانی، شاعر عارف قرن هشتم، از زمره‌ی آثار عاشقانه‌ای است که در آن، عشق آتشین همای، شاهزاده‌ی شام، به همایون، دختر فغفور چین به نظم کشیده شده است. این منظومه را نخستین‌بار کمال عینی، محقق برجسته‌ی تاجیک، حدود پنجاه و دو سال پیش تصحیح انتقادی کرده است. مصحح نسخه‌ای را اساس کار خود قرار داده که در سال ۷۵۰، یعنی سه سال پیش از وفات شاعر کتابت شده است. با همهی دقت نظری که مصحح برای انتشار بدون نقص این اثر صرف کرده است، متأسفانه هنوز اشکالات متعددی در آن دیده می‌شود که نگارندگان این مقاله را واداشت از رهگذر مقابله‌ی مجدد متن چاپی با نسخه‌ی خطی مزبور این اشکالات را تا حدودی مرتفع سازند. در این مقاله حدود پنجاه خطای مسلم ناشی از بدخوانی، بی‌دقتی مصحح، ندیدن کلمه یا عبارت و مواردی از این دست آمده و از اشتباه‌های بسیاری که نگارندگان احتمال داده‌اند اغلاط مطبعی است، صرف نظر شده است.

واژه‌های کلیدی: همای و همایون، خواجه‌ی کرمانی، کمال عینی، تصحیح، منظومه‌ی عاشقانه.

۱. مقدمه

منظومه‌ی همای و همایون خواجه‌ی یکی از دلپذیرترین آثار غنایی ادب فارسی است. این منظومه نخستین‌بار در سال ۱۳۴۸ با همکاری بنیاد فرهنگ ایران و انستیتوی

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات عرفانی) mahdi.moallemy@yahoo.com

(نویسنده‌ی مسئول)

** استادیار زبان و ادبیات فارسی morteza.razaghpoor@yahoo.com

خاورشناسی فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم تاجیکستان به تصحیح کمال عینی، محقق تاجیکی منتشر شد. این اثر به سال ۱۳۷۰ در مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی تجدید چاپ شد. مصحح برای تصحیح این متن از چهار نسخه‌ی زیر استفاده کرده است:

۱. نسخه‌ی «د»: کلیات *خواجه‌ی کرمانی* کتابخانه‌ی ملی ملک به شماره‌ی ۴۷۵۱. این نسخه در سال ۷۵۰ هجری یعنی سه سال قبل از درگذشت شاعر، محمد بن عمران کرمانی کتابت کرده است؛ به‌همین دلیل مصحح، این نسخه‌ی نفیس را اساس کار خود قرار داده است.

۲. نسخه‌ی «ل»: نسخه‌ی خطی سه *داستان خواجه‌ی کرمانی* در لندن. این نسخه‌ی در بریتیش موزیم، در شهر لندن نگهداری می‌شود. این نسخه در سال ۷۹۸ هجری در شهر بغداد به دست میرعلی بن الیاس التبریزی الباورجی کتابت شده است.

۳. نسخه‌ی «م»: کلیات *خواجه‌ی کرمانی* کتابخانه‌ی ملی ملک به شماره‌ی ۵۹۶۳. این نسخه در سال ۸۲۹ هجری یعنی در هفتاد و شش سال پس از وفات خواجه در دارالسلطنه‌ی هرات، محمد بن مطهر بن یوسف بن ابوسعید قاضی نیشابوری آن را به خط نستعلیق خوب کتابت کرده است.

۴. نسخه‌ی «ک»: نسخه‌ی *خمسه‌ی خواجه‌ی کرمانی* که در گنجینه‌ی نسخ خطی فرهنگستان علوم تاجیکستان به شماره‌ی ۷۶۶ نگهداری می‌شود. این نسخه یکی از نوترین نسخه‌های داستان‌های *خواجه‌ی کرمانی* است که در سال ۱۲۷۵ هجری در جرجان، ملانور بن ملا محمد رحیم به دستور نظام‌الدوله‌خان بن مغفور ذوالفقارخان آن را کتابت کرده است.

چنان‌که اشاره شد مصحح، نسخه‌ی «د» را اساس کار خود قرار داده است. این نسخه‌ی ارزشمند را دانشگاه شهید باهنر کرمان با همکاری کتابخانه و موزه‌ی ملی ملک تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کرمان، اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمان در انتشارات شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر به‌صورت عکسی (فاکسیمیله) در سال ۱۳۹۲ منتشر کرده است. مؤلفان این مقاله پس از مقابله‌ی دقیق نسخه‌ی مذکور و نسخه‌ی چاپی کمال عینی متوجه شدند که مصحح محترم این منظومه در موارد فراوانی دچار لغزش‌هایی در خوانش نسخه، خطا در انتخاب نسخه‌بدها و اعمال سلیقه‌ی فردی شده است؛ از این‌رو در این مقاله کوشش بر آن است که این لغزش‌ها مشخص شده و شکل صحیح آن‌ها به‌دست داده شود. بدیهی است برای این کار تنها به مواردی

اشاره می‌شود که به نظر نگارندگان اشتباه مسلّم مصحح بوده است و از نمونه‌هایی که به نظر ما بر متن ترجیح دارد صرف نظر شده است.

۲. نقد و بررسی

خواجه پس از نکوهش روزگار، تبشیر و مزده‌ی صبح را در تَتُّق نور از زبان حوریان بهشتی می‌شنود:

تباشیر صبح از تتق‌های نور به گوش آمدم این‌دم از لفظ حور
که ای خوش‌نوا مرغ شیرین‌نفس بجنبان پر و بال و بشکن قفس
(خواجهی کرمانی، ۱۳۷۰: ب: ۱۵، بیت ۱۳)

در نسخه‌ی اساس به جای «آمدم»، «آیدم» ضبط شده که مناسب و صحیح‌تر به نظر می‌رسد. ترکیب «این‌دم» و ضبط غالب نسخه‌ها نیز کمابیش آن را تأیید می‌کند.

— در ادامه خیام‌وار از ناپایداری جهان و غنیمت دانستن وقت سخن می‌گوید:

چو بنیاد عمر است ناستوار به نقد این نفس را غنیمت شمار
شه بیژن این است بیژن کجاست به نقد این نفس را غنیمت شمار
(همان: ۱۷، بیت ۱۷)

تردیدی نیست که «شه» بی‌معنی و شکل صحیح «چه» است. با اینکه نسخه‌ی «م»، «چه بیژن» ضبط کرده است، اما مصحح ترجیح داده که صورت فوق را برگزیند. جالب است که در پاورقی تأکید می‌کند که نسخه‌ی «د» چه بیژن است حال آنکه چنین نیست. در تصحیح نیاز کرمانی از خمسه‌ی خواجه این اشکال برطرف شده است.

— در ابیات زیر نیز همچنان دنیا را نکوهش می‌کند:

که دون است گردون و دون‌پرور است ازو شادتر هر که نادان‌تر است
که یابد ازین قرص زرین سه نان برین سفره بیرون ز دونان دو نان
(همان: ۱۸، بیت ۱۹)

هرچند ضبط نسخه‌ی اساس «سه نان» است، اما مصحح باید بدون هیچ تردیدی به نسخه‌بدل‌های «ل و م» اعتماد می‌کرد و که صورت صحیح «سنان» را برمی‌گزید؛ زیرا مفعول یابد، دو نان پایان بیت است. قرص زرین سنان ترکیب تشبیهی است و مجموعاً استعاره از خورشید است و معنی بیت چنین است: چه کسی جز دونان از این خورشید، دو قرص نان نصیب خواهد برد؟ در چاپ نیاز کرمانی این اشکال برطرف شده است.

— بیت زیر در وصف نخجیرگاه است:

سیه کوه چشمش به آهوبره برآورده کبکان خروش از دره
(همان: ۲۹، بیت ۱۰)

«سیه کوه» در این بیت چه معنایی دارد؟ سیه کوه تصحیفی از «سیه گوش» است که شواهد بسیاری در شعر و ادب فارسی حدس ما را تأیید می‌کند؛ همچنان‌که اسدی می‌گوید:

نهاده بر آهو سیه گوش چشم جهان چون درخش از کمین‌گه به خشم
(اسدی طوسی، ۱۳۸۶: ۳۴۱)

خواجو نیز در جای دیگری از همای و همایون گفته است:

سیه گوش بر آهوان گشته چیر شده آب شمشیر در حلق شیر
(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰ ب: ۱۰۷)

— در آغاز داستان همای، شاهزاده‌ی شامی، وارد کاخی می‌شود و تصویر همایون، دختر خاقان چین، را بر دیواری زرنگار مشاهده می‌کند که بر بالای تصویر نوشته است: در این صورت از راه معنی بین
فرمانده صورت پرستان چین
نگر تا به چشم خرد بنگری که در عقل و حکمت ننگجد پری
(همان: ۳۲، بیت ۱۳)

در نسخه‌ی اساس «بنگری» آمده که مصحح آن را در پاورقی گنجانده و مقابل آن علامت سؤال گذاشته است. شکل صحیح همان «بنگری» است؛ زیرا مقصود نویسنده آن است که با خرد در این تصویر نگاه نکن، زیرا عقل و حکمت نمی‌تواند نقش پری را دریابد و بدین ترتیب نقش خرد را در معرفت عرفانی انکار می‌کند. بیت بعد نیز همین نکته را تأیید می‌کند:

نگویم به نقش از خرد بازمان ولی نقش را عین نقاش دان
در خمسه‌ی خواجوی کرمانی این اشکال برطرف شده است.
— همای پس از عاشق شدن، همان‌طور که محو کاخ مذکور است، با خود می‌گوید:
کنم ترک سر گر دهد دوست دست نگویم که من هستم از دوست هست
(همان: ۳۴، بیت ۲۰)

در نسخه‌ی اساس نیز «از» آمده که بی‌گمان خطای کاتب است و شکل صحیح «ار» است. در خمسه‌ی خواجوی کرمانی این اشکال برطرف شده است.

نگاهی به تصحیح منظومه‌ی همای و همایون به اهتمام کمال عینی ————— ۱۷۱

در ابیات زیر نیز این اشتباه به شکلی دیگر رخ داده است؛ بدین معنی که در نسخه‌ی اساس «ار» بوده و مصحح «از» ضبط کرده است:

که رخشنده مهرست یا ماه من سپیددم از روی دلخواه من
(همان: ۳۹، بیت ۱۰)

که این زهره یا روی مه‌پیکر است فروغ مه از طلعت دلبر است
(همان: بیت ۱۳)

مصصح بیت زیر را در قلاب آورده و در پاورقی متذکر شده است که این بیت در نسخه‌ی اساس نیست و از نسخه‌های «ل و م» آورده شده است؛ حال آنکه این بیت در نسخه‌ی اساس وجود دارد.

[یقین‌ست کان پیکر مانوی خیال‌ست و آن سربه‌سر جادوی]
(همان: ۳۶، بیت ۴)

این اشکال نیز در چاپ سعید نیاز کرمانی وجود ندارد.

در بخشی از داستان سمندون زنگی، همای را به اسارت می‌گیرد و بر کشتی می‌نشانند:
قضا را برآمد یکی باد سخت که برکندی از جا تناور درخت
ز ناگه درافتاد دریا به جوش درافگند در قعر دریا خروش
(همان: ۴۱، بیت: ۶-۷)

ضبط نسخه‌ی اساس «در آورد» است، اما معلوم نیست مصصح «درافتاد» را از کجا آورده است.

همای پس از رهایی از دست زنگیان به سرزمین خاور می‌رسد و سوارانی به سوی او می‌شتابند:

چو دیدند مر شاه را پیشرو به دل در غریو و به جان در گرو
(همان: ۴۳، بیت: ۳)

در نسخه‌ی اساس به جای «غریو»، «عری» (به معنی آچمز در بازی شطرنج) آمده است که با گرو و شاه تناسب دارد.

– یکی از تصاویر پرکاربرد خواجه در مثنوی‌های عاشقانه‌اش تشبیه چهره‌ی زیبا به روزی است که شب (استعاره از زلف) آن را آراسته است:

فروزان رخم روز و شب زیور است کمین خدام سنبلم عنبر است
(همان: ۵۲، بیت: ۲۰)

«روز و شب» بی‌معنی است. صورت صحیح «روزِ شب‌زیور» است که در نسخه‌ی اساس آمده است.

- بهزاد یکی از یاران نزدیک شاهزاده همای، عاشق دختری به‌نام آذرافروز می‌شود و ماجرای عشق خود را با همای در میان می‌گذارد:

دلم دانه‌ای دید و پر برگشاد بدان دانه، در دام عشق اوفتاد
چو چشمش بدان چشم بادام بود ندانست کان دانه با دام بود
(همان: ۵۴، بیت: ۱)

در نسخه‌ی اساس به‌ترتیب «برآن» و «با دام» ضبط شده است که درست است. بازی با واژه‌ی بادام و ساختن جناس مرکب از آن، از شگردهای زبانی رایج در مثنوی‌های خواجه‌سست.

- بیت زیر توصیف سوارکاری در شکارگاه است:

پری‌وش مهی بر نوندی سوار به زیرش یکی بود دریاگذار
(همان: ۶۱، بیت: ۱۰)

در نسخه‌ی اساس به جای «بود»، «بور» (اسب سرخ‌رنگ) آمده است. در نسخه‌ی خواجه‌سستی این اشکال برطرف شده است.

- همای در ابیات زیر به قصری می‌رسد که دختری زیباروی به‌نام پری‌زاد در آن اسیر زندِ جادوست:

دری دید عالی ز سنگ رخام بر آن قفلی افکنده از سیم خام
بیازید بازو و بگشود دست در و قفل و زندان بهم درشکست
(همان: ۸۲، بیت: ۲)

هرچند نسخه‌ی اساس «و زندان» است، اما با توجه به قرینه‌ی بیت قبل که آن قفل از سیم خام (نقره‌ی خالص) است، ضبط دو نسخه‌ی «ل و م» یعنی «قفلی سیمین» درست است.

- در بیت زیر فغفور چین از بازرگانی سعدان‌نام درباره‌ی همای سؤال می‌کند:

که سعدان بگو کین جوان از کجاست که سروی چنین راستی را بخاست
(همان: ۹۲، بیت: ۱۵)

در نسخه‌ی اساس «نخاست» آمده است که صحت آن آشکارتر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد. در نسخه‌ی خواجه‌سستی این اشکال برطرف شده است.

نگاهی به تصحیح منظومه‌ی همای و همایون به اهتمام کمال عینی _____ ۱۷۳

- سعدان در پاسخ می‌گوید وقتی من عازم چین شدم برادرم در شام ماند. اکنون مدتی است که او از دنیا رفته و این نوجوان از او به یادگار مانده است:

که چون دور گردون به چینم دواند به اقصای شامم برادر نماند
کنون مدتی شد کزین خاکدان برون رفت و ماند از وی این نوجوان
(همان: ۹۲، بیت: ۲۰)

اگرچه ضبط نسخه‌ی اساس چنین است، اما شکل صحیح، ضبط نسخه‌های «د و م» یعنی «بماند» است، زیرا اگر سعدان برادری در شام نداشته چگونه از او فرزندی به یادگار مانده است؟ در *خمسه‌ی خواجه‌ی کرمانی* این اشکال برطرف شده است.

- بیت زیر در وصف دشت و صحرائی است که همایون بهاران را آنجا سپری می‌کند:
غزل‌خوان غزالان بران دشت و راغ سرایان سرای تذروان به باغ
(همان: ۱۰۵، بیت: ۵)

با این ضبط بیت بی‌معنی است. ضبط نسخه‌ی اساس «سرای» است.

- بیت زیر در توصیف زلف همایون است:

شبت گرد خورشید عالم‌فروز حبش تاختن برده بر نیمروز
(همان: ۱۱۲، بیت: ۶)

یکی از تصاویر مورد علاقه‌ی خواجه ریختن زلف بر گرد صورت است که در این منظومه موارد فراوانی از آن یافت می‌شود. در بیت فوق صورت صحیح «گرد» است. - در بخشی از داستان، همای پنهانی وارد قصر همایون می‌شود و پس از کشتن پاسبان، بر بام قصر سرود و ترانه می‌خواند و همایون و اطرافیانش حیرت‌زده درباره‌ی خواننده‌ی ناشناس اظهار نظر می‌کنند:

یکی گفت اگر زانک درویش هست چه درمان چو کارش برون شد ز دست
(همان: ۱۱۳، بیت: ۱۰)

ضبط نسخه‌ی اساس «دردیش» است که با بدخوانی مصحح تبدیل به درویش شده است. این اشتباه ناشی از غلط مطبعی نیست، زیرا مصحح در پاورقی «درویشی» را گنجانده تا متذکر شود که آگاهانه «درویش» را برگزیده است. در *خمسه‌ی خواجه‌ی کرمانی* این اشکال برطرف شده است.

- بیت زیر در وصف گریه‌ی سوزناک همای، زیر قصر همایون است:

چو دریای سرکش در آمد به موج چو عنقا خروشش بر آمد به اوج
(همان: ۱۲۵، بیت: ۶)

مصراع نخست در نسخه‌ی اساس چنین است: «چو دریا سرشکش در آمد به موج». در خمسه‌ی خواجه‌ی کرمانی این اشکال بر طرف شده است.

- همای با تجاهل‌العارفی هنرمندانه به ابر می‌گوید:

چو کار تو زین‌گون بالا گرفت سرشکت چرا راه دریا گرفت
(همان: ۱۳۹، بیت: ۵)

صورت صحیح، ضبط نسخه‌ی اساس یعنی «صحرا» است.

- در بخشی از داستان همایون، پس از بگومگو با همای و راندن او از کرده‌ی خود پشیمان می‌شود و به دنبال وی می‌رود:

بری شد ز دل تا به دلبر رسید برون شد ز خود تا بدو در رسید
(همان: ۱۴۱، بیت: ۱۳)

صورت صحیح ضبط نسخه‌ی «م» یعنی «رسد» است، زیرا در این بخش از قصه هنوز همایون به همای نرسیده است و ابیات بعد نیز آن را تأیید می‌کند.

- همای بدون آنکه بداند همایون با لباسی مبدل به جنگ او آمده با وی نبرد می‌کند و کمر بند او را می‌گیرد:

برافراخت بال و بیازید چنگ کمر بند دل بند بگرفت تنگ
(همان: ۱۴۷، بیت: ۱۴)

چنان‌که در بررسی‌ها مشخص شد، بال برافراختن در فرهنگ‌ها نیامده است. مصحح شکل صحیح، یعنی «یال برافراختن» (= گردن‌افراختن) را که در نسخه‌ی بدل آمده به پاورقی برده است.

- همای خطاب به راهبان پاک‌سیرت دیری می‌گوید:

که ای گشته قربان کیش و هبل بحیرامثالان حورا مثل
(همان: ۱۴۹، بیت: ۱۸)

صورت صحیح در نسخه‌ی اساس «کیشِ هبل» است. در خمسه‌ی خواجه‌ی کرمانی این اشکال بر طرف شده است.

- همای دبیر شایسته‌ای را برمی‌گزیند تا نامه‌ای به فغفور چین بنویسد. دبیر قلم به دست گرفته و نوشتن را آغاز می‌کند:

قلم در زمان برخطش بر نهاد ز درج شبه عقد گوهر نهاد
(همان: ۱۵۴، بیت: ۹)

شکل صحیح، ضبط نسخه‌ی اساس یعنی «سر نهاد» است. سر بر خط کسی نهادن روشن‌تر و شایع‌تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد. شگفت آنکه مصحح علاوه بر بدخوانی ضبط صحیح دو نسخه‌ی «ل و م» را در پاورقی گنجانده است. در خمسه‌ی خواجوی کرمانی این اشکال برطرف شده است.

- نگارنده‌ی نامه پس از ستایش خداوند، فغفور چین را مدح می‌کند:

پس از نامداری خورشید و ماه زمین‌بوس من سوی فغفورشاه
(همان: ۱۵۵، بیت: ۱۳)

مصراع نخست معنای مناسبی ندارد و بی‌تردید تصحیف کاتبان است. شکل صحیح «نام دارای خورشید و ماه» است. ضبط یکی از نسخه‌های خطی کلیات خواجو موجود در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره‌ی ۱۳۷۳۶ که تصویری از آن در اختیار نگارندگان است، حدس ما را تأیید می‌کند.

- فغفور چین وقتی درمی‌یابد دخترش، همایون، نزد همای رفته است، نامه‌ای به همای می‌نویسد و می‌کوشد با مکر و حيله همایون را از او پس بگیرد:

کنون چون به دست آمدت گوهری سوی بحر اگر باشدت لنگری
(همان: ۱۶۰، بیت: ۱)

ضبط نسخه‌ی اساس «شوی» است و معنای بیت چنین است: اکنون که گوهری چون همایون به دست افتاده است اگر صبور باشی به جاه و مقام والایی خواهی رسید. در خمسه‌ی خواجوی کرمانی این اشکال برطرف شده است.

- فغفور چین پس از سرزنش دختر خود که نزد بیگانه‌ای روزگار می‌گذراند، دو تمثیل زیر را به‌کار می‌گیرد:

سزد گر بریزد ز گلبن گلی که خندان شود پیش هر بلبلی
مریزاد سروی که در جویبار بلرزد چو بید از نسیم بهار
(همان: ۱۶۱، بیت: ۱۱)

بی‌تردید ضبط فوق نادرست و ناشی از بدخوانی مصحح است؛ زیرا غرض فغفور را کاملاً نقض می‌کند. مقصود وی آن است که بهتر است سرو با هر بادی نلرزد. ضبط نسخه‌ی اساس «نلرزد» است.

— در بخش دیگری از داستان، شاهزاده همای، سحرگاه به بام قصر همایون می‌رود و گریه و زاری می‌کند. خواجه با حسن تعلیلی هنرمندانه می‌گوید هرگاه که همای قصد بازگشت می‌کرد سگ پاسبان به نوحه‌گری می‌پرداخت:

چو آن شیردل گام برمی‌گرفت سبک پاسبان نوحه برمی‌گرفت
(همان: ۱۶۸، بیت: ۲)

هرچند در نسخه‌ی اساس نیز «سبک» آمده، اما تردیدی نمی‌توان داشت که کاتب «سگ» را «سبک» خوانده است؛ زیرا توجیهی برای نوحه‌ی پاسبان وجود ندارد. بیت بعد نیز این حدس را تأیید می‌کند:

جرس بانگ می‌زد که باش این زمان که خاموش گردد سگ پاسبان
(همان: بیت ۳)

— بیت زیر خطاب به باد صباست:

چو فرمان آب از تو باشد روان سزد گر شود در رکابت دوان
(همان: ۱۷۱، بیت: ۳)

اگرچه «دوان» بی‌معنا نیست، اما در نسخه‌ی اساس «روان» آمده است که با توجه به جناس تام موجود در بیت، این ضبط بهتر است.

— همای همچنان خطاب به باد می‌گوید:

به گرد حرم طوف من کن دمی که بارت دهد در حرم محرمی
(همان: ۱۷۱، بیت: ۲۰)

ضبط نسخه‌ی اساس «می‌کن» است. مقصود همای آن است که باد صبا گرد حرم همایون طواف کند.

— در ادامه همای به باد صبا می‌گوید:

ز خنجرکش غمزهاش غم مدار رو آن جان به جاندار لعلش سپار
(همان: ۱۷۲، بیت: ۱۷)

مصحح «روان» (به معنی بی‌درنگ) را «رو آن» خوانده است. با اندک آشنایی با شیوه‌ی شاعری خواجه می‌توان به راحتی دریافت که خواجه به روابط هنری کلمات توجه ویژه‌ای دارد و با این شگرد لایه‌های معنایی شعر خود را گسترش می‌دهد و بدان عمق می‌بخشد. به نظر نگارندگان حافظ تحت تأثیر این جنبه‌ی هنری شعر خواجه‌جوست.

— فغفور در نکوهش همایون می‌گوید:

نگاهی به تصحیح منظومه‌ی همای و همایون به اهتمام کمال عینی ————— ۱۷

مرا بر دل از وی فراوان غم است در ایوانم از سور او ماتم است
(همان: ۱۷۵، بیت: ۱۲)

در نسخه‌ی اساس «هزاران» آمده است که با توجه به شگرد هنری پیش‌گفته صحیح‌تر است، زیرا خواجو میان هزار و سور (نام دو پرنده) ایهام تناسب برقرار کرده است. در خمسه‌ی خواجوی کرمانی این اشکال برطرف شده است.

- فغفور چین به دروغ خبر مرگ همایون را شایع می‌کند و تشییع جنازه‌ی دروغینی ترتیب می‌دهد تا شاهزاده همای برای همیشه از او دل بکند:

در ایوانم از سور او ماتم است فروشد به دروازه دریای خون
ز پیش شهنشاه شوریده‌دل همه خاک ره کرده از دیده گل
(همان: ۱۷۹، بیت: ۱۱)

بیت دوم نهاد ندارد. ضبط نسخه‌ی اساس «پیشش» است که این نقص را جبران می‌کند. جالب است که در بیت زیر که در وصف لاله و توصیه به می‌خواری است عکس این اشتباه رخ داده است:

چو در آتش لاله افتاد مشک دم از آتش تر زن و آب خشک
(همان: ۲۰۵، بیت: ۲۲)

صورت صحیح «آتش لاله» است.

- همای بعد از شنیدن خبر دروغین مرگ همایون، مجنون‌وار آواره‌ی کوه و صحرا می‌شود:
در آن کوه و دریا به حدی بگشت که شد مونسش وحشی کوه و دشت
(همان: ۱۸۰، بیت: ۱۵)

ضبط نسخه‌ی اساس «در تا» (در: درّه) است، اما مصحح بی‌دلیل ضبط غلط نسخه‌ی بدل را در متن آورده است؛ چراکه در این داستان، همای به دریا نمی‌رود. کوه و دشت مصراع دوم درستی نسخه‌ی اساس را تأیید می‌کند. در خمسه‌ی خواجوی کرمانی این اشکال برطرف شده است.

- بیت زیر در وصف جنگ همای با فغفور چین است:

درآمد سپاه و برآمد به ماه سهیل ستوران و گرد سپاه
(همان: ۱۹۳، بیت: ۹)

هرچند بیت مطابق با ضبط نسخه‌ی اساس است، اما بی‌تردید ضبط نسخه‌های «ل و م» یعنی «سهیل» (شبهه‌ی اسب) درست است.

- در این بیت نیز صحنه‌ی جنگ توصیف می‌شود:

چکاچاک تیر و شفاشاف تیغ زده آتش سهم در جان میغ
(همان: ۱۹۵، بیت: ۴)

اگرچه ضبط متن با ضبط نسخه‌ی اساس مطابق است، اما چنان‌که می‌دانیم اسم صوت حرکت و پرواز تیر «شفاشاف» و اسم صوت به‌هم خوردن شمشیرها «چکاچاک» است؛ بنابراین ضبط نسخه‌بدل‌ها یعنی «شفاشاف تیر و چکاچاک تیغ» که در پاورقی نقل شده، صحیح است.

- بیت زیر نیز در وصف میدان جنگ است:

به چوگان سواران پرخاش جوی ز تن می‌ربودند سر همچو گوی
(ص ۱۹۶، بیت: ۱۳)

ضبط نسخه‌ی اساس و نسخه‌ی «ل»، «چو» است روشن است که اولاً در میدان جنگ کسی چوگان در دست نمی‌گیرد و ثانیاً با چوگان سر را نمی‌ربایند. خواجه در اینجا بریده‌شدن سرهای جنگجویان میدان نبرد را به ربوده‌شدن گوی با چوگان در میدان بازی مانده کرده است.

- همای پس از کشتن فغفور چین بر تخت او تکیه می‌زند و جشن پیروزی بر پا می‌کند:

بفرمود تا جام می در دهند ترنم نوازند و ساغر دهند
(همان: ۲۰۱، بیت ۱۷)

ضبط نسخه‌ی اساس «دهند» است. در *خمسه‌ی خواجه‌ی کرمانی* این اشکال برطرف شده است.

- در بیت ذیر هرچند «گل خیری» بی‌معنا نیست، اما در نسخه‌ی اساس «گل خَمری» آمده است:

سرافکنده چون نرگس نیمه‌مست گل خیری و خمر گلگون به دست
(همان: ۲۰۶، بیت: ۲)

گل خَمری گل سرخی است که به سیاهی زند یا سیاهی که به سرخی زند (لغت‌نامه). دهخدا بیت زیر را از دیوان منوچهری دامغانی شاهد آورده است:

نوروز در آمد ای منوچهری بالاله‌ی سرخ و با گل خَمری
(منوچهری، ۱۳۸۱: ۱۱۷)

نگاهی به تصحیح منظومه‌ی همای و همایون به اهتمام کمال عینی ————— ۱۷۹

خواجه در بیت پانزدهم همین صفحه دیگر بار از این گل نام می‌برد و مصحح آن را به صورت صحیح ضبط کرده است. در *خمسه‌ی خواجه‌ی کرمانی* این اشکال برطرف شده است.

- ابیات زیر در وصف جام شراب است:

چراغ روان مشعل شبروان سراسر حیات و لباب روان
پری‌وار دیوا فگن و حوروش منوّر دل ناری نوروش
(همان: ۲۰۷، بیت: ۱۴-۱۳)

در نسخه‌ی اساس، به ترتیب «لبالب» و «پری‌دار» آمده است که پری‌دار به معنی جن‌زده و جن‌گرفته در فرهنگ‌ها ضبط شده است و خواجه شراب را به اعتبار کف‌آلود بودن به جن‌زدگان مانند کرده است.

- در بیت زیر خواجه بر ناپایداری جهان و جاذبه‌های آن دریغ می‌خورد:

دریغا صبح و گل افشان می اگر نیستی داغ دوری ز پی
(همان: ۲۰۸، بیت: ۱۷)

ضبط نسخه‌ی اساس «گل افشان و می» است. در *خمسه‌ی خواجه‌ی کرمانی* این اشکال برطرف شده است. مصحح در بیت زیر عکس این خطا را مرتکب شده است:
جوان طبع و روشن دل و پیر ده کهن پیر نوباوه و میر ده
(همان: ۲۰۷، بیت: ۳)

در نسخه‌ی اساس «و» وجود ندارد. این‌گونه اشتباهات بارها تکرار شده است، اما برای پرهیز از درازگویی به همین دو مورد بسنده شده است.

- همای کسانی را می‌فرستد تا همایون را نزد او آورند:

فرستاد کان ماه مشکین برند به زرینه‌مهدش به چین آورند
(همان: ۲۱۰، بیت: ۱۸)

شکل صحیح کلمه «برند» است که مصحح غلط خوانده است. «مشکین‌پرند» به معنی پارچه‌ی ابریشمین سیاه‌رنگی است که همایون به تن کرده است.

- بیت زیر درباره‌ی گوارایی طعم سلطنت و پادشایی است:

ولی پادشاهی اگر یکدم است خوش است ارچه سوزش همه ماتم است
(همان: ۲۱۲، بیت: ۷)

۱۸. ————— مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۹، شماره‌ی ۲، تابستان ۱۳۹۶ (پیاپی ۳۲)

در نسخه‌ی اساس «سورش» آمده است. در *خمسه‌ی خواجوی کرمانی* این اشکال برطرف شده است.

- بیت زیر در وصف مجلس بزم است:

مغنی چو رعد است و معنی رباب قدح آسمان و شراب آفتاب
(همان: ۲۱۲، بیت: ۱۶)

در بیت بالا، «رعد» بی معنی است. ضبط نسخه‌ی اساس «دعد» است. چنانکه می‌دانیم «دعد و رباب» نام دو تن از عشاق معروف عرب است. ناصر خسرو می‌گوید:

چند گفتی و بر رباب زدی غزل دعد بر صفات رباب
(ناصر خسرو، ۱۳۷۰: ۲۸)

- مصحح در ابیات زیر بی توجه به نسخه‌ی اساس «بر» را به جای «در» نشانده است:

خوش آن دم که رامین برگشته بخت زند بر سراپرده‌ی ویس تخت
(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰ ب: ۲۲۳)

خوش آن دم که اورنگ انده پرست زند بر سر زلف گلچهر دست
(همانجا، بیت: ۱۴)

- همای پس از شنیدن خبر مرگ پدرش، منوشنگ‌شاه، عازم شام می‌شود:

به آرامگه باز پرواز کرد همان روزگار سفر ساز کرد
(همان: ۲۲۷، بیت: ۲۰)

مصحح مصراع دوم را بد خوانده است. صورت صحیح آن چنین است: «همان روز کار سفر ساز کرد».

- قصه‌ی همای و همایون با مرگ این دو شخصیت به پایان می‌رسد. بیت زیر اشاره به مرگ همای پس از وفات همایون می‌کند:

چو بگذشت یک‌چندی او هم برفت دمی بر کشید و به یکدم برفت
(همان: ۲۲۹، بیت: ۱۸)

شکل صحیح «پر» است.

- خواجو به خوانندگان این منظومه توصیه می‌کند که شعر او را به معنای ظاهری محدود نکنند:

بخوانش که او صورتی معنوی‌ست بدانش که آن صورتی مانوی‌ست
(همان: ۲۳۲، بیت: ۱۴)

شکل درست که در نسخه‌ی اساس آمده «سورتی» به معنای قرآنی آن است.

- در خاتمه‌ی کتاب خواجه قصه‌ی خود را به بازی نرد مانند کرده است:

چو منصوبه‌ی قصه بردم به بن به داد تمامی رساندم سخن
(همان: ۲۳۵، بیت: ۱۵)

در نسخه‌ی اساس «داو» (نوبت بازی نرد) آمده و داو تمامی در معنی به کمال رساندن است. بیت معروف حافظ نیز به همین معنی اشاره می‌کند:

اورنگ کو گلچهر کو نقش وفا و مهر کو حالی من اندر عاشقی داو تمامی می‌زنم
(حافظ، ۱۳۶۲: ۶۸۸)

- خواجه در ستایش بلندهمتی و بی‌نیازی و نیز توانگری معنوی خود می‌گوید:

اگر نیست در صورتم نان شام به معنی دهم چرخ سلطان شام
(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰ ب: ۲۳۷)

با این ضبط مصراع دوم بی‌معنی است. ضبط نسخه‌ی اساس «خرج» به معنی خراج است که از سویی یادآور این بیت سعدی در بوستان است:

گدا را چو حاصل شود نان شام چنان خوش بخشید که سلطان شام
(سعدی، ۱۳۷۵: ۶۱)

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که نگارندگان از ذکر موارد کم‌اهمیت‌تر به‌عمد خودداری کرده‌اند تا سخن به درازا نکشد و تنها اغلاط و خطاهایی را انگشت نهاده‌اند که با رفع آنها معنای بیت از ابهام بیرون می‌آید. ضمناً ذکر این ایرادها به معنی نادیده‌گرفتن مساعی ارزشمند دانشمند تاجیکی نیست. بی‌گمان خدمت شایسته‌ی ایشان در عرضه‌ی یکی از مهم‌ترین منظومه‌های عاشقانه‌ی فارسی از چشم ایرانیان قدرشناس دور نخواهد ماند. مقاله‌ی حاضر در حقیقت نقد کار او نیست، بلکه تکمله‌ای بر زحمات بی‌دریغ وی است.

۳. نتیجه‌گیری

در این مقاله به اشکالات ذیل در تصحیح متن منظومه‌ی همای و همایون اشاره شده است و با ذکر دلایل، صورت صحیح هر بیت مشخص شده است:

۱. مصحح گاه بدون هیچ‌گونه ذکر از متن نسخه‌ی اساس، ضبط دیگری را در متن آورده است؛ حال آنکه ضبط نسخه‌ی اساس هیچ ایرادی نداشته و بی‌شک صورت

صحیح بیت بوده است. البته این امکان وجود دارد که برخی از این موارد از جمله‌ی اغلاط مطبعی بوده باشد که معنای بیت را مختل کرده است.

۲. ابیاتی که در نسخه‌ی اساس وجود دارد و مصحح با نسبت دادن به نسخه‌های دیگر، آن‌ها را در متن گنجانده است و متذکر شده که در نسخه‌ی اساس وجود ندارد.

۳. مواردی که نسخه‌بدل‌ها بدون هیچ تردیدی بر نسخه‌ی اساس رجحان دارد.

۴. مواردی که مصحح محترم دچار بدخوانی شده است.

لازم به ذکر است که از بیان اغلاط مطبعی که به راحتی قابل تشخیص است و اجباری به ذکر آن نبوده خودداری شده است.

منابع

- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد. (۱۳۸۶)، *گرشاسب‌نامه*. به اهتمام و تصحیح حبیب یغمایی، تهران: دنیای کتاب.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲)، *دیوان*. به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.
- خواجوی کرمانی. (۱۳۷۰). *خمسه‌ی خواجوی کرمانی*. به تصحیح سعید نیاز کرمانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- (۱۳۹۲). *کلیات*، تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- (۱۳۷۰ الف). *گل و نوروز*. با اهتمام و کوشش کمال عینی، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- (۱۳۷۰ ب). *همای و همایون*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- *نسخه‌ی خطی کلیات خواجو*. به شماره‌ی ۱۳۷۳۶، مجلس شورای اسلامی.
- سعدی شیرازی. (۱۳۷۵). *بوستان*. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- منوچهری، احمد بن قوص. (۱۳۸۱). *دیوان*. به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: زوار.
- ناصرخسرو. (۱۳۷۰). *دیوان*. تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.